



رابطه هوش هیجانی با خودپنداره، عزت نفس و مطلوب نمایی دانشجویان

ذبیح الله پیرانی^x - حسین داوودی^x - دکتر حسن حیدری^x - دکتر داود مدنی

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه هوش هیجانی با خود پنداره، عزت نفس و مطلوب نمایی اجتماعی دانشجویان انجام گرفت. دانشجویان دانشگاههای اراک جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. از جامعه آماری پژوهش، تعداد 210 دانشجو به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی و خود پنداره، عزت نفس و مطلوب نمایی اجتماعی رابطه ی مثبت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی - خودپنداره - عزت نفس - مطلوب نمایی - دانشجویان



بیان مسأله

هوش هیجانی^X امروزه از جایگاه رفیع و مطمئن و غیر قابل انکار در تعلیم و تربیت برخوردار است. با وجودی که مربیان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت به اهمیت آن پی برده اند و با آن آشنایی دارند، اما فرآیند استفاده و پرورش آن و گنجاندن آن در برنامه های آموزشی مدارس و دانشگاهها به کندی صورت می پذیرد. ما باید یادگیرندگان را افرادی آگاه، و مسئولیت پذیر تربیت کنیم تا بتوانند با عواطف خودشان به خوبی سازگار شوند و با آن کنار بیایند. اگر می خواهیم دانشجویانی تربیت کنیم که در خانواده، جامعه، افرادی کارآمد و توانمند باشند و از سلامت روانی و جهانی مناسبی برخوردار باشند، باید به هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی - عاطفی آنها اهمیت دهیم (مسدد، 1377).

گاردنر^X (1999) هوش هیجانی را بخشی از هوش شخصی، درون شخصی و بین شخصی می داند. گلمن^X، بویاتریس^X و میکی^X (2003) عقیده دارند: ما برای رشد و تکامل هوش هیجانی به زمانی برای اندیشیدن با خود و دیگران نیاز داریم. همچنین مایر^X و سالوی^X (1990) در پژوهشی نشان دادند که الگوهای هوش هیجانی ثابت و یکسان نیستند، گرچه زنان و مردان می توانند نقاط ضعف هوش هیجانی خود را از طریق آموزش بر طرف و آنرا تقویت نمایند. سالووی و مایر (1990) دو مقاله علمی در مورد هوش هیجانی منتشر نمودند و در آن هوش هیجانی را توانایی هدایت هیجانات و احساسات خود و دیگران معرفی کردند؛ به گونه ای که بتوان میان آنها تمایز قائل شده و از آنها به منظور جهت دهی تفکر و اندیشه و فعالیت های فردی استفاده کرد.

محققان مزایای مالکیت یک هوش هیجانی بالا را شرح و توصیف نموده اند. چنین افرادی به عنوان افراد سالم تر و موفق تر از همتهای خود که دارای هوش هیجانی کمتری هستند تلقی می گردند (کوپر، 1997). مشخص شده است افرادی که از لحاظ هیجانی با هوش هستند، رابط شخصی قوی دارند، احساسات دیگران را نمایش داده و مورد ارزیابی قرار می دهند (سالوی و مایر، 1990)، با دیگران همدردی می کنند (کاپلان، 1993) و در مهارت های میان فردی بر دیگران برتری دارند (گلمن، 1998). باس (1990) بسیاری از این صفات را مشابه صفات و ویژگی های رهبران و



مدیران کارآمد و اثر بخش خلاصه می کند. اریکسون و جویز (1998)، (دیویدسن، 2000) و ترنت (1998) در پژوهش های جداگانه ای نشان دادند که همدلی، عزت نفس، مطلوب نمایی، خود پنداری مثبت و پذیرش خود در موفقیت تحصیلی و ایجاد^x انگیزه مثبت در یادگیرندگان موثر است. پژوهش های متعدد (برگر، 1990، فی، 1989، لوفت، 1990) گزارش کرده اند که ارتباط قابل توجهی بین طریقی که فرد خودش را می بیند و طریقی که به دیگران می نگرد، وجود دارد. آنهایی که خودشان را می پذیرند، متمایل به دیگران می باشند (ترنت^x، 1998) و دیگران را بیشتر قابل پذیرش می بینند (امویک^x، 1992). بعلاوه بر اساس نظر امویک، آنهایی که خود را نمی پذیرند و به همین ترتیب نگرشی پایین نسبت به دیگران دارند، دیگران را به عنوان خودناپذیر درک می کنند. پژوهش های متعدد (برگ، 1990، فی، 1989، لوفت، 1990) گزارش کرده اند که ارتباط قابل توجهی بین طریقی که فرد خودش را می بیند و طریقی که به دیگران می نگرد، وجود دارد. آنهایی که خودشان را می پذیرند، متمایل به دیگران می باشند (ترنت^x، 1989) و دیگران را بیشتر قابل پذیرفتن می بینند (امویک^x، 1992). بعلاوه بر اساس نظر امویک، آنهایی که خود را نمی پذیرند و به همین ترتیب نگرشی پائین نسبت به دیگران دارند، دیگران را به عنوان خودناپذیر درک می کنند. دیویس و لنگ (2000) دریافتند که ادراک یادگیرنده نسبت به خودش بطور مثبت با خودپنداری^x و عزت نفس او همبستگی دارد. هوش هیجانی دارای مولفه هایی از قبیل: خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت دیگران است. از آنجایی که خودپنداره عبارت است از: مجموعه ویژگی هایی که فرد به عنوان یک موجود منحصر به فرد از خود ادراک می کند و به عبارتی کلیت ادراک هایی است که ما در خود داریم که این ادراکات مشتمل است بر نگرش های ما درباره خود و زبانی که هنگام توصیف به کار می بریم (خویی نژاد، 1374) و عزت نفس یعنی مجموعه ارزیابی هایی که فرد از خودش به عمل می آورد به عبارتی درک نسبی فرد از مجموعه قابلیت های عاطفی، ذهنی، جسمی و اجتماعی است (شاملو، 1368) و مطلوب نمایی اجتماعی یعنی تشخیص توانایی یک اثر مطلوب در دیگران و کسانی که به نحوه پی به واکنش دیگران نسبت به خود اهمیت می دهند (پاشا شریفی، 1378) پی خواهیم برد که مفهوم مولفه های هوش



هیجانی به عنوان یک صفت مکنون در متغیرهای خودپنداره، عزت نفس و مطلوب نمایی اجتماعی است. حال پژوهش

حاضر، درصدد بررسی این مسأله است که آیا بین هوش هیجانی و این متغیرها رابطه معناداری وجود دارد؟

سوالات پژوهش

- 1- آیا بین هوش هیجانی و خودپنداره دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟
- 2- آیا بین هوش هیجانی و عزت نفس دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟
- 3- آیا بین هوش هیجانی و مطلوب نمایی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دولتی و آزاد شهر اراک در سال تحصیلی 1386 بوده است. از جامعه آماری، تعداد 210 دانشجو به روش نمونه گیری چند مرحله ای (105 دانشجوی دانشگاه دولتی، 105 دانشجوی دانشگاه آزاد، 100 دانشجوی پسر و 110 دانشجوی دختر) با میانگین سنی 23/8 و دامنه سنی 9 انتخاب گردید. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه هوش هیجانی تراویس براویری و جین گریوز، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، پرسشنامه مطلوب نمایی اجتماعی هریسون گاف و پرسشنامه خودپنداره راجرز استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها با رعایت پیش فرض ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

سوال یک: آیا بین هوش هیجانی و خود پنداره دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول 1: یافته های توصیفی و ضریب همبستگی هوش هیجانی و خود پنداره

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب پیرسون	سطح معناداری	تعداد
هوش هیجانی	72/22	9/32			
			0/96	0/01	50
خودپنداره	0/382	0/1			

جدول یک نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت معناداری در سطح 0/01 وجود دارد.

سوال دوم: آیا بین هوش هیجانی و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد؟



جدول 2: یافته های توصیفی و ضریب همبستگی هوش هیجانی و عزت نفس

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
هوش هیجانی	75/57	8/59	0/6	0/01	100
عزت نفس	35/68	7/32			

جدول دو نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت معناداری در سطح 0/01 وجود دارد.

سوال سوم: آیا بین هوش هیجانی و مطلوب نمایی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول 3: یافته های توصیفی و ضریب همبستگی هوش هیجانی و مطلوب نمایی اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
هوش هیجانی	77/86	83/32	0/93	0/01	60
مطلوب نمایی اجتماعی	17/58	20/57			

جدول 3 نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

زندگی اجتماعی یا زندگی در میان جمع بدون وجود یا سلامت هیجان و عواطف غیر ممکن است و مرگ اجتماعی فرد از لحظه ای آغاز می شود که او دیگر نمی تواند با دیگران روابط عاطفی برقرار کند. بنابراین فرد سالم با محیط اجتماعی خود بهتر می سازد و او می تواند بدون احساس فشار روانی و تعارض با اطرافیان زندگی کند. اما باید بدانیم که عوامل محیط زندگی فرد همیشه به میل او عمل نمی کنند و این خود انسان است که یاد می گیرد چگونه با این موضوع کنار آمده و سازگار شود.



یکی از مولفه های کنار آمدن با محیط زندگی توجه به هوش هیجانی است. این هوش دارای دو جنبه فردی (خودآگاهی - مدیریت خود) و قابلیت اجتماعی (آگاهی اجتماعی - مدیریت رابطه) می باشد. گلمن (1997)، سالوی، مایر، ثرندایک و گاردنر بر این عقیده اند که 80 درصد موفقیت ها به EQ و 20 درصد به IQ بستگی دارد.

نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و خودپنداری، عزت نفس و مطلوب نمایی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. عزت نفس و خودپنداری به شناخت فرد از توانایی های خود و توصیف خود همانگونه که هست و مطلوب نمایی اجتماعی یعنی دوست داشتن و احترام قائل شدن به دیگران را دربرمی گیرد، لذا متغیر های ذکر شده با مولفه های هوش هیجانی از نظر صفت مکنون مفهوم یکسانی دارند. بنابراین با داشتن هوش هیجانی بالا و آموزش آن می توان خودپنداری و عزت نفس تحصیلی مثبت را در دانشجویان ایجاد کرد.

منابع

- ابراهیمی، صغری (1384)، پرورش انگیزه در دانش آموزان، تهران، انتشارات رشد.
- اکبرزاده، نسیرین (1383)، هوش هیجانی، تهران، انتشارات فارابی.
- آقایار، سیروس (1386)، هوش هیجانی سازمانی، تهران، انتشارات فارابی.
- شریفی درآمدی، پرویز (1385)، هوش هیجانی، تهران، انتشارات سپاهان.
- گنجی، مهدی (1384)، هوش هیجانی، تهران، انتشارات ساوالان.
- مسدد، علی اکبر (1373)، انگیزش در آموزش و پرورش، انتشارات دانشگاه شیراز.
- میرکمالی، محمد (1378)، خود پنداری و موفقیت تحصیلی، تهران، نشر یسطرون.
- Baron,R.& Parker.J.D.A(2000).The handbook of Emotional Intelligence. Sanfrancisco: Jossey-Bass,awiley company.
- Gardner, H.(1983/1993). Rames on mind: The theory of multiple intelligence New York: Basic books.
- Goleman, D(1998). Working with emotional intelligence. New York: Bantam.



Mayer, J.D., Salvoey, P.Caruso.D.R.and Sitareni. S.G(2003). Measuring emotional intelligence.

<http://www.tdh.state.us/quality/emotion.htm>

<http://www.shareguod.com/Goleman.html>.